

پاسخ به نقدی بر کتاب موادی برای مطالعه گویش بختیاری

سید مهدی دادرس*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰)

چکیده

این نوشته، پاسخی است به نقد «الهه حسینی ماتک» بر کتاب مشترک این نگارنده با عنوان «موادی برای مطالعه گویش بختیاری» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶). نگارنده، به عنوان یکی از محققان این اثر، در این یادداشت کوشیده است با نقل عبارات و مطالب این کتاب و نکات مدنظر منتقد، پاره‌ای م سائل را توضیح دهد و دلایل اتخاذ روش خود را بر شمارد و برخی از اشکالاتی را که منتقد مطرح کرده است، توضیح دهد و شیوه کار خویش را روشن تر بیان کند.

کلیدواژه‌ها: نقد، گویش بختیاری، و.آ. ژوکوفسکی.

* E-mail: smdadras@gmail.com

۱. مقدمه

در شماره ششم مجله علم زبان، بهار و تابستان ۹۵، نقدی بر کتاب مشترک این نگارنده با عنوان *موادی برای مطالعه گویش بختیاری* (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶)، به قلم یکی از دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد زبان‌شناسی منتشر شده است. در یادداشت حاضر، برخی از نکات مطرح در آن نقد ذکر می‌شود و برای روشن شدن مطلب و رفع ابهام از مطالب کتاب توضیحاتی ارائه می‌گردد. اشکالات وارده از سوی منتقد، با ذکر شماره صفحه در مقاله وی، نقل می‌گردد.

۲. انتقادات و پاسخ‌ها

منتقد، در اشاره به بخش «توضیحات ابیات» در کتاب ما، که در واقع نوعی تعلیقات است، نوشته است: «توضیحات ابیات که شامل معنی برخی واژه‌هاست ...» (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۲). برخلاف فحوای عبارت فوق، این بخش در کتاب ما، علاوه بر توضیح معانی برخی لغات و اصطلاحات و جملات، شامل اطلاعات دیگری، از جمله: توضیحات راجع به اعلام متن، سوابق تاریخی برخی تعبیرات شعری، اختلافات ترجمه ژوکوفسکی، عقاید عامیانه در بختیاری، دلایل رجحان برخی ضبط‌ها و غیره نیز هست.

منتقد در ادامه نوشته است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۳):

در صفحه عنوان کتاب و نیز شناسنامه کتاب، قبل از نام محققان، عبارت «ترجمه و اضافات» آمده است و باز هم نامی از مؤلف اصلی کتاب نوشته نشده است ... سبب نمی‌شود تا آنان در بخشی از کتاب ... خود را مؤلف بنامند و از نام و عنوان ژوکوفسکی تنها به عکسی بر پس‌زمینه جلد بسنده کنند.

برخلاف آنچه منتقد گفته است، اگرچه روی جلد کتاب، نام ژوکوفسکی دیده نمی شود، اما در شنا سنامه کتاب، در سطر اول، نام او به صورت «ژوکوفسکی، والننن آلکسی یویچ، ۱۸۵۸-۱۹۱۸ م» درج شده است. در سطر سوم هم ذیل «عنوان و نام پدیدآور»، مشخصات کامل کتاب آمده است: «موادی برای مطالعه گویش بختیاری / والننن الکسیویچ ژوکوفسکی؛ ترجمه و اضافات مریم شفقی، سیدمهدی دادرس». از سوی دیگر، در پشت جلد کتاب نیز چکیده‌ای از میراث علمی ژوکوفسکی و محتوای کار ما دیده می شود که منتقد به آن اشاره‌ای نکرده است. تصویر بزرگ ژوکوفسکی نیز آنقدر آشکار است که راه بر هر خیال سرقت می بندد. ضمن این که در صفحه عنوان نیز — همچنان که خود منتقد اذعان کرده — عبارت «ترجمه و اضافات: ...» مندرج است. در فهرست کتاب نیز نام ژوکوفسکی ۳ بار ذکر شده (۱. ژوکوفسکی و گویش بختیاری؛ ۳. لزوم تصحیح اشعار گردآورده ژوکوفسکی؛ ۵-۳. برر سی میزان نفوذ فارسی در بختیاری عصر ژوکوفسکی)، و در متن کتاب نیز، این نام ده بار ذکر شده است. با همه این اوصاف، این نقد پذیرفتنی است، اما لازم است دلایل احتمالی چنین سهوی تبیین شود: کار ما، همچنان که در پیشگفتار نیز گفته شده است، صورتی بازنگری شده از طرحی پژوهشی است با عنوان تصحیح، نقد و برگردان اشعار فولکلور بختیاری گردآوری شده توسط والننن الکسیویچ ژوکوفسکی (۱۳۹۰). با توجه به ماهیت پژوهشی کار، افزوده‌های مؤلفان و نیز اساس قرارداد ابیات بختیاری در ترجمه (به جای برگرداندن ترجمه ژوکوفسکی)، احتمالاً ناشر (دانشگاه محل انجام این طرح پژوهشی) به صلاحدید ناظران طرح، نام مؤلفان را روی جلد برجسته کرده است. از دیگر تصرفات ناشر، افزودن «نمایه» است، غیر از «فهرست اعلام» که مؤلفان تنظیم کرده‌اند. در این نمایه، واژه «آبادان» (در ترکیب «شهر آبادان»)

به نادرست و بدون اطلاع مؤلفان، در ستون مکان‌های جغرافیایی گنجانده شده است و این نشان می‌دهد ناشر آن را با شهر آبادان یا عبّادان قدیم خلط کرده است. علی‌ای حال، این خطاها در چاپ‌های بعدی حتماً اصلاح خواهد شد.

منتقد نوشته است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۴):

اگر چه به گفته مترجمان، در صفحات آغازین این بخش از تحقیق ژوکوفسکی، سال گردآوری این اشعار نوشته شده است ... اما مترجمان هیچ اشاره‌ای به این سال نکرده‌اند ... بدین ترتیب، آنچه ژوکوفسکی در این کتاب از گویش بختیاری ثبت کرده است، تقریباً مربوط به ۱۳۱ سال پیش است.

در صفحه بعد از تقدیم‌نامه کتاب آمده است: «در دارالسلطنه اصفهان سنه هزار و سیصد و دو جمع‌آوری شد» (یعنی ۱۳۰۲ قمری). همچنین در نخستین صفحه کتاب، نوشته شده است: «برای نگارش این رساله، ژوکوفسکی به مدت سه سال (۱۸۸۳-۱۸۸۶) در ایران اقامت گزید» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱). به علاوه، محاسبه منتقد نیز اشتباه است، چراکه سال ۱۳۰۲ قمری تقریباً با ۱۸۸۴-۱۸۸۵ میلادی برابر است، که چنانچه از سال انتشار کتاب ما (۲۰۱۷) کسر شود، ۱۳۲-۱۳۳ باقی می‌ماند.

در بخش دیگری از نقد چنین آمده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۵):

شفقی و دادرس ... این جملات را از تفضلی ... نقل کرده‌اند: «زبان این اشعار که حدود صد سال پیش گردآوری شده، با زبان رایج کنونی بختیاری‌ها تفاوت چشمگیری دارد» ... این نقل قول از تفضلی درباره بخشی از اشعار بختیاری است که لریمر (۱۹۲۲) سال‌ها بعد از ژوکوفسکی گرد آورد و به طریق اولی، درباره اشعار گردآورده ژوکوفسکی نیز که مدت‌ها پیش از آن چاپ شده بود، صادق است، اما مترجمان ... برخلاف

نظر تفضلی معتقدند: بختیاری ضبط شده در کارهای لریمر و ژوکوفسکی تفاوت چشمگیری با بختیاری رایج در عشایر بختیاری امروز ندارد و بسیاری از موارد ناهمخوانی میان ضبط غربی‌ها و بختیاری امروز، نتیجه ضبط و آوانگاری نادرست غربی‌ها و عمدتاً ناشی از فقدان شمّ زبانی است.

پاسخ این‌که: اولاً، جمله مرحوم تفضلی را خود ما با ذکر منبع نقل کرده‌ایم و به ارتباطش با مواد گردآورده لریمر وقوف داشته‌ایم. ثانیاً، ادعای ما بر بررسی متون ژوکوفسکی و لریمر، و شیوه ضبط آنها و مقایسه زبان این متون با بختیاری امروز، شامل اشعار عامیانه متأخر (برای نمونه: حسینی، ۱۳۸۶؛ عبدالهی موگویی، ۱۳۷۲)، مبتنی است. به عقیده ما، از زمان گردآوری اشعار توسط لریمر، یعنی بیش از یک قرن پیش تا امروز، زبان / گویش بختیاری اگرچه دچار دگرگونی‌هایی شده (نک: ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۷—۲۲)، اما تغییرات آن، چنان‌که تفضلی اشاره کرده است، «چشمگیر» نیست؛ مسأله‌ای که در مورد مواد گردآورده ژوکوفسکی نیز صادق است. ثالثاً، درمقاله لریمر (Lorimer, 1954: 542) آمده است که تاریخ واقعی گردآوری اشعار توسط وی، ۱۹۱۴ است نه ۱۹۲۲. اگر ۱۸۸۵ را از این رقم کسر کنیم، حاصل ۲۹ سال خواهد بود که تقریباً به میانگین اختلاف سنی دو نسل پیایی، یعنی سی سال، می‌رسد و این نکته، حتی بدون نیاز به مراجعه به مواد گویشی مذکور و در مقام نظر، احتمال وجود چنان شکافی را میان بختیاری عصر ژوکوفسکی و عصر لریمر تضعیف می‌کند.

در بخش دیگری از نقد این کتاب آمده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۶):

مترجمان این اثر، چگونه به «ضعف» و «اشتباهات فنی» کار ژوکوفسکی پی برده‌اند و به «تصحیح» آن همت گمارده‌اند؟ ... این که محققى به سبب این که گویشور زبانی است، حکم دهد که آن زبان از ۱۳۱ سال

پیش تا کنون تحول چشمگیری نداشته و آوانگاری آن زبان را بهتر از محققانی می‌داند که در همان دوره، زبان را از گویشوران شنیده و ثبت و ضبط کرده‌اند، ادعای گزافی به نظر می‌رسد.

در این نقد، کراراً این پرسش مطرح شده است که چگونه مترجمان و محققان صلاحیت تصحیح این متن را داشته‌اند و به نظر می‌رسد این شبهه برای منتقد و شاید برخی خوانندگان ایجاد شده است که شاید چون یکی از آنها گویشور این زبان بوده‌اند، خود را مجاز به تصحیح دانسته‌اند. در هیچ کجای کتاب ادعا نشده که ما «به صرف» گویشور بودن به خود اجازه این کار را داده‌ایم. بی‌تردید آشنایی این نگارنده با گویش بختیاری، چه به‌عنوان گویشور و چه به‌صورت میدانی^۱، در شناخت شمی وی از لهجات بختیاری مفید بوده است، اما ضبط‌های ما در عین حال کاملاً مستند به واژه‌نامه‌های امروزی گویش بختیاری است که در منابع کتاب فهرست شده‌اند.

در بخش دیگری از نقد، چنین آمده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۷): «با در نظر گرفتن زمانی که از کار ژوکوفسکی گذشته است و نیز تنوع گونه‌های بختیاری، نمی‌توان داده‌های ژوکوفسکی را بر اساس بختیاری امروز تغییر داد».

پاسخ نقد فوق این است که ما هرگز متن ژوکوفسکی را «تغییر» نداده‌ایم، بلکه «تصحیح» یا به تعبیر درست‌تر، «ویرایش» کرده‌ایم. تصحیح یا ویرایش ما نیز روشمند بوده و اصول آن تحت عنوان «روش ما» تشریح شده است. علاوه بر آن، هر جا تغییری غیر از این روش اعمال شده، در توضیحات ابیات، صورت

۱. برای نمونه، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده، با عنوان بررسی واژه‌شناختی گویش بختیاری (۱۳۸۸)، ذیل «واژه‌نامه» و «نامنامه»؛ نیز در همکاری با مؤلف واژه‌نامه زبان بختیاری (مددی، ۱۳۹۲).

اساس نقل شده است. نیز تلفظ‌ها یا خوانش‌های احتمالی هر واژه را به واژه‌نامه آتی کتاب، احاله کرده‌ایم (نک: ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۰).

منتقد بخشی از کتاب ما را که در آن داده‌های ژوکوفسکی با بختیاری امروز مقایسه شده‌اند، نقل کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۷): «در برخی واژه‌ها حرف k اشتباهاً برای نشان دادن /g/ بختیاری به کار رفته است: bukuš بگشا» و سپس افزوده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۷): «مترجمان چگونه متوجه نادرستی کار ژوکوفسکی شده‌اند؟».

باید توجه داشت که برای ویرایش متن اشعار گردآورده ژوکوفسکی، می‌توان از داده‌های بختیاری امروز استفاده کرد. از قضا، مثالی هم که نقل شده است (بگش)، درستی روش ما را اثبات می‌کند. در بختیاری امروز، فعل gošīden به معنای «گشودن» به کار می‌رود که امر مفرد آن bogoš است و بر این اساس، ضبط ژوکوفسکی بی‌تردید غلط است (بسنجید با bokoš "بگش" در بختیاری امروز).

منتقد این مطلب را از متن کتاب ما (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۴) نقل کرده است: «دقت ضبط ژوکوفسکی تا آن پایه است که می‌توان آن را با دقت دستگاه ضبط صوت مقایسه کرد» و سپس افزوده: «دقت ژوکوفسکی در تکیه‌گذاری کلمات چه ربطی به دستگاه ضبط صوت دارد؟!» (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

برای روشن شدن مطلب لازم یادآوری شود که در زمان ژوکوفسکی ضبط صوت به عنوان یکی از ابزارهای لازم در پژوهش‌های میدانی - وجود نداشته و منظور ما این بوده که گویی ژوکوفسکی ضبط صوتی داشته و شنیده‌ها را بارها بازپخش می‌کرده که این قدر دقیق عمل کرده است.

در بخشی از نقد آمده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۳۹):

مترجمان ... تحت عنوان «آوانگاری»، ایرادهایی را به کار ژوکوفسکی وارد دانسته‌اند و گفته‌اند «این ایرادات مربوط به تسامحی است که وی در واج‌نویسی به خرج داده است». ظاهراً مترجمان بین آوانگاری یا آوانویسی و واج‌نگاری یا واج‌نویسی فرقی ننهادند.

اولین عبارتی که ذیل عنوان «آوانگاری» نوشته‌ایم این است: «بخشی از ایرادهایی که به کار ژوکوفسکی وارد است، مربوط به تسامحی است که وی در واج‌نویسی به خرج داده است» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۵). ما خیلی ساده، «آوانگاری» را در معنای عام آن به کار برده‌ایم، و سپس در متن، به صورت دقیق به «واج‌نویسی» اشاره کرده‌ایم. این معنای عام برای «آوانگاری»، در دیگر متون نیز سابقه دارد (برای نمونه، نک: باقری، ۱۳۸۰: ۱۳ در عنوان «الفبای آوانگار»). در هر حال، این ایراد در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهد شد.

منتقد در بخشی از مطلب خود آورده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۹): «چگونه و بر اساس کدام شواهد تاریخی مترجمان دانسته‌اند در بختیاری ۱۳۱ سال پیش δ واجگونه d بوده و ژوکوفسکی d را برای دلالت بر δ هم به کار برده است؟ آیا او خود بدین نکته اشاره کرده است؟».

این که از لفظ واج‌گونه استفاده‌ایم، ابتکار خودمان نیست و مستند است به نظر علی‌اشرف صادقی: «در قسمت واجگونه‌ها باید از واجگونه δ یاد کرد که صورتی از تلفظ d مخصوص جایگاه بعد از مصوت است. این تلفظ همان d فارسی است که از میان گویش‌های جنوب‌غربی ایران تنها در لری بختیاری باقی مانده است» (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). البته، صادقی بعداً در مقدمه‌ای که بر فرهنگ گویش *دوانی* (صادقی، ۱۳۸۱: ۱۴) نوشته، وجود این واجگونه را در این گویش متذکر شده است: «این همان تلفظی است که در متون فارسی قدیم با «ذ» ضبط شده و امروزه در بعضی از گویش‌ها از جمله بختیاری باقی

است. منتقد پس از این مطالب، افزوده است (ح سینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۳۹): «پس مشخص است که او (ژوکوفسکی) واج‌نویسی اشعار را ارائه کرده است نه آوانویسی آنها را. ضمن آن که واج‌گونه را نباید در // قرار داد».

دربارهٔ عدم استفاده از // منتقد برحق است، اما این که چرا ما این واج‌گونه را در واج‌نویسی ابیات نشان داده‌ایم، مبتنی بر سنت واج‌نویسی متون پهلوی و فارسی دری^۱ است. از سوی دیگر، استفاده از الفبای آوانگار، در تقابل با واج‌نویسی، بعد از ۱۸۸۸ م به تدریج متداول شده (نک: Fromkin, 2011: 193) و طرح این مسأله که آیا ژوکوفسکی آوانویسی کرده یا واج‌نویسی، محملی ندارد. به نظر ما، ژوکوفسکی از واج‌نویسی سنتی زبان‌های ایرانی باستانی، البته با بخشیدن صبغهٔ روسی به آن، پیروی کرده است.

نویسنده در نقد واج‌نویسی مصحح ما نوشته است (ح سینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۰): «این قرینه‌های ریشه‌شناختی و تاریخی باید در هر مورد نوشته شود و دلایل انتخاب یک صورت بر آنچه ژوکوفسکی آورده است، تحلیل گردد».

در پاسخ به این مطلب، این عبارت از کتاب، نقل می‌گردد (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۰):

تا جای ممکن کوشیده‌ایم به متن اساس ... وفادار بمانیم؛ مگر در مواردی که پیش‌تر به عنوان نقاط ضعف کار ژوکوفسکی بر شمردیم. در مواردی، ضبط ژوکوفسکی آشکارا با تلفظ لهجه‌های گوناگون بختیاری امروز در تضاد بود که در برخورد با آن به دو شیوه عمل کرده‌ایم: نخست، اگر هیچ قرینهٔ ریشه‌شناختی و تاریخی‌ای ضبط ژوکوفسکی را به عنوان یک لهجهٔ احتمالی تأیید نمی‌کرد، تلفظ امروزی واژه را آورده‌ایم. البته تلفظی را که

۱. برای نمونه، در: ارانسکی، ۱۳۸۶: ۵، ۷۹ و Lazard, 1963.

با متن متناسب‌تر است؛ دوم، در مواردی که با توجه به قراین تاریخی و گوی‌شی، احتمال پذیرش ضبط ژوکوفسکی به عنوان یک تلفظ احتمالی وجود داشت، ضبط وی را در متن آورده‌ایم و تلفظ امروزی را در واژه‌نامه (جلد دوم کتاب) متذکر شده‌ایم.

نویسنده این بخش از کتاب ما را نقل کرده است: (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۱):
 «به جای مصوت‌های مرکب ei/ai، eu/au و ou ما از ey/ay، aw و ow استفاده کرده‌ایم که امروزه پذیرفته‌تر است» و سپس افزوده است: «این نشانه‌ها در کجا و بر مبنای کدام روش پذیرفته‌ترند؟» (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

در بخش دیگری نوشته است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۳):

... هیچ دلیلی ذکر نشده که چرا به جای āu و au از aw استفاده کرده‌اند ... شاید اختلاف واج‌نویسی لریمر و ژوکوفسکی ناشی از همین مسأله باشد؛ به عبارتی دیگر، ژوکوفسکی a را کشیده ضبط کرده و لریمر کوتاه.

برای پرهیز از اطالۀ کلام، خواننده را به مقاله معصومه قریب (۱۳۵۱) - صرفاً به عنوان نمونه‌ای از نقد بر وجود واکه مرکب در فارسی - ارجاع می‌دهیم. در واقع، سخن ما این است که در بختیاری، مثل فارسی، واکه مرکب وجود ندارد^۱، به همین دلیل، به این صورتی که نقل شده، آنها را تغییر داده‌ایم. تغییر در کشیدگی واکه‌ها هم از این رو صورت گرفته که نه در ضبط لریمر که نزدیک‌تر به زمان ژوکوفسکی است، و نه در بختیاری امروز، این کشیدگی دیده نمی‌شود، اما احتیاطاً در واژه‌نامه، این تلفظ‌های احتمالی ارائه خواهد شد. احتمالاً ژوکوفسکی، متأثر از واج‌نویسی متون زبان‌های ایرانی باستانی^۲، از جمله متون اوستایی، این کشیدگی

۱. این نظر مخالفانی نیز دارد. برای نمونه: طاهری، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۵.

۲. اشاره است به واکه‌های مرکب āi، āu و غیره، در زبان اوستایی (برای آگاهی بیشتر، نک: اشमित، ۱۳۸۷: ۸۲-۸۳).

را فرض کرده است؛ با این توضیح که در این زبان‌ها واکه‌های مرکبی مثل $\bar{a}i$ و $\bar{a}u$ وجود دارد. گفتنی است که در کار ژوکوفسکی خط‌هایی بسیار فاحش‌تر از این دیده می‌شود که با چنین مواردی اصلاً قابل‌قیاس نیست و بنابراین، ضبط وی بری از خطا نبوده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به مقدمه کتاب ما).

منتقد این بخش از کتاب را نقل کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۰): «در متن ما نشانه \bar{a} نماینده واکه $/a/$ است؛ اما ممکن است به صورت \bar{a} ($/o/$) نیز تلفظ شود. نشانه \hat{a} نیز از واکه $/\Lambda/$ نمایندگی می‌کند» و سپس، نوشته است (حسینی ماتک: ۱۳۹۵: ۱۴۱): «نشانه‌های \bar{a} ، \hat{a} و \bar{a} در الفبای آوانگار آمریکایی و نویسه‌های a ، Λ و σ در الفبای آوانگار بین‌الملل به کار رفته‌اند. \bar{a} دلالت بر $[a:]$ دارد و \hat{a} معادل $[a]$ در زبان فارسی امروز است».

از عبارات فوق برمی‌آید که این شبیه ایجاد شده است که ما آوانگاری را با واج‌نویسی اشتباه گرفته‌ایم، از این‌رو، در مطلب منتقد تفاوت نشانه‌های آنها شرح شده است. در مطالب کتاب ما، مشخص است که ما آواهای معادل را در پُرانتز یا بلافاصله پس از واج موردنظر آورده و درواقع، تلفظ واقعی آن را توضیح داده‌ایم، و واضح است که بین واج و آوا فرق نهاده‌ایم. درحقیقت ما این نشانه‌ها را قرارداد کرده‌ایم. ضمناً استفاده قراردادی از نشانه \bar{a} برای واج‌نویسی $[a]$ در بختیاری و نه $[a:]$ ، در تحقیقات دیگر نیز شاهد دارد (برای نمونه: Lorimer, 1955 و MacKinnon, 2011: 40 و Anonby, 2018).

منتقد ابتدا عبارت زیر را از مقدمه کتاب ما نقل کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۰):

ژوکوفسکی در آوانگاری بختیاری، از واج‌های **bi** (i سخت)، **l̥** و ... استفاده کرده است که به نظر ما بیش از آن که مبنای واقعی داشته باشند، ناشی از سلیقه و درک ویژه ژوکوفسکی هستند. ما این واج‌ها را به معادل امروزی‌شان تغییر داده‌ایم.

سپس، افزوده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۱):

مترجمان چگونه به درک ویژه ژوکوفسکی نائل آمده‌اند و بر چه مبنایی آنها را تغییر داده‌اند؟! به نظر می‌رسد «واج» را به جای «نویسه» به کار برده‌اند، زیرا واج در ذهن گویشوران بختیاری آن دوره بوده است؛ نه ژوکوفسکی می‌تواند از واج خاصی استفاده کند و نه کسی می‌تواند واج را تغییر دهد آن هم به معادل امروزی‌اش، که در این صورت ارزش کار ژوکوفسکی، یعنی ثبت و ضبط گویش بختیاری در ۱۳۱ سال پیش، از میان رفته است.

درباره نقل قول اول باید اشاره کرد که اصل عبارت ما در کتاب این است: «ژوکوفسکی در آوانگاری بختیاری، از واج‌های **bi** (i سخت)، **l̥** و **ɣ** استفاده کرده است» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۰). در مورد خوانش و درک ژوکوفسکی نیز سخن ما این است که چون این واج‌ها در بختیاری امروز وجود ندارند، و در آثار دیگر در زمینه گویش بختیاری نیز توصیف نشده‌اند، و اختصاص برخی از آنها به زبان روسی (**bi**) که احتمال خطای شنیداری محقق روس‌زبان را بر اثر تداخل ذهنیت او تقویت می‌کند^۱، دلیلی برای پایبندی به ضبط ژوکوفسکی وجود نداشت؛ با این حال در واژه‌نامه‌ای که وعده داده‌ایم، ضبط‌های ژوکوفسکی و تلفظ‌های ممکن آنها

۱. برای مثال، ژوکوفسکی «تهران/تهرون» را به صورت Teherūn ضبط کرده که متأثر از تلفظ روسی (Тегеран) است.

نقل خواهد شد.^۱ در این مورد، برخلاف مراد منتقد، التزام ما به ذکر هر نوع تغییرِ روشمند و منظم در مقدمه، گواه امانت‌داری ما است و به خواننده سرنخی می‌دهد تا از طریق مقایسهٔ متن ژوکوفسکی با متن مصحح ما، شناخت بهتری از زبان این ابیات حاصل کند. اگر قرار بر نقل بی‌کم‌وکاستِ متن ژوکوفسکی بود که اصلاً امکانی برای ویرایش و بازنگری در آن فراهم نمی‌شد. در مورد تفاوت واج و نویسه که منتقد متذکر شده، دقیقاً منظور ما واج است نه نویسه. یعنی آن واج (یا واجگونه) را که با آن نویسه نشان داده شده، با واج صحیح جایگزین کرده‌ایم.

منتقد در بخشی دیگری از نقد، این عبارت از کتاب را نقل کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۰): «به تبعیت از ژوکوفسکی، از آوردن واج /^۱ در آغاز واژه خودداری کرده‌ایم». سپس، چنین آورده است: «اگر نشانه^۲ بر واج دلالت دارد، نمی‌توان از نوشتن آن در واج‌نویسی خودداری کرد» (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

شیوهٔ فوق که نویسنده از آن انتقاد کرده، به پیروی از ژوکوفسکی و نیز سنت واج‌نویسی فارسی دری اتخاذ شده است (برای نمونه‌ای از این شیوه در واج‌نویسی متون دری، نک: Lazard, 1963). علت اتخاذ این شیوه نیز پایبندی ضمنی به اصلِ اضافاتِ حداقلی بر واج‌نویسی متن بوده، و جز این، نقد فوق وارد است.

منتقد نوشته است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۲): «مترجمان که بسیار دغدغهٔ صحت آوانگاری یا واج‌نگاری را دارند، باید ابتدا واج‌های بختیاری را، حتی به‌اختصار، معرفی کنند ... مترجمان می‌توانستند از داده‌های این کتاب [کتاب لریمر] در معرفی واج‌های بختیاری در آن دوره، استفاده کنند».

۱. ما در مواردی که تردید داشتیم، \ddot{y} (= \ddot{i}) را در متن حفظ کرده‌ایم (نک: ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۹۱، واژه \ddot{y}).

نظر به مخاطب اهل فن، ضرورتی برای توضیح تلفظ نشانه‌های آشنای واج‌نویسی که منتقد در عبارات فوق، آن را لازم دانسته است، وجود نداشت؛ لذا جز در موارد لازم که در مقدمه کتاب ذکر شده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۵-۸، ۱۰-۱۵)، از توضیح همه این نشانه‌ها خودداری کردیم. کتاب ما به هیچ روی، توصیف عمومی گویش بختیاری نیست و شرح نظام آوایی آن در کتاب، ضرورتی نداشت. خواننده می‌تواند برای آگاهی بیشتر، به منابع کتاب مراجعه کند. در بخشی از کتاب نیز متن اشعار، جهت استفاده مخاطب بختیاری زبان، به خط آشنای فارسی برگردانده شده است. خوانندگان عام غیربختیاری، علاوه بر این برگردان، می‌توانند به ترجمه فارسی اشعار نیز مراجعه کنند.

منتقد این عبارت را از کتاب نقل کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۵):

وی [ژوکوفسکی] از برخی حروف برای نشان دادن دو واج مختلف استفاده کرده است. این حروف عبارت‌اند از: k, g, v, ā, d, که در کار ژوکوفسکی علاوه بر واج‌های /k/, /g/, /v/, /ā/ و /d/ به ترتیب نمایانگر واج‌های /q/, /γ/, /w/، /ē/ و واج‌گونه /δ/ نیز هستند.

و سپس در نقد این مطلب نوشته است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۲): «ابتدا باید مشخص شود واج‌ها و واج‌گونه‌های بختیاری چیست تا مشخص شود ژوکوفسکی از چه نشانه‌هایی برای دلالت بر آنها استفاده کرده است. آیا در بختیاری هم q و v واج است هم γ و w؟».

در متن کتاب چنین نوشته‌ایم (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۷): «خود ژوکوفسکی در مقدمه کتاب توضیح داده که K نماینده ک و Q و Γ نماینده گ و غ است. البته این پرسش مطرح است که شاید در زمان ژوکوفسکی واج‌های ق و غ وارد بختیاری نشده بوده...».

در نقد این مطالب، چنین آمده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۴۳):

مترجمان از نویسه‌های فارسی ک، ق، گ و غ برای نشان دادن واج استفاده کرده‌اند و افزون بر آن، هر یک را واج دانسته‌اند. برای نشان دادن واج‌هایی که با این نویسه‌ها نشان داده می‌شود، باید از الفبای آوانگار بین‌المللی استفاده کنند. گذشته از آن، اگر زبان فارسی مورد نظر است، که نویسه‌های ق و غ بر واج دلالت ندارند، بلکه هر دو نویسه بر یک واج دلالت دارند که با G نشان داده می‌شود؛ رابعاً مترجمان از یک‌سو معتقدند بختیاری ضبط‌شده در کارهای لریمر و ژوکوفسکی تفاوت چشمگیری با بختیاری رایج در عشایر امروز بختیاری ندارد و از سویی دیگر معتقدند در زمان ژوکوفسکی، واج‌های ق و غ وارد بختیاری نشده بود. آیا در طول ۱۳۱ سال، تحولات بختیاری به گونه‌ای بوده که به فهرست واج‌های آن واجی تازه افزوده شود؟ اگر چنین بوده تحولات بختیاری بسیار گسترده بوده است. اگر هم گونه بختیاری در ۱۳۱ سال پیش با بختیاری امروز تفاوت چشمگیری نداشته، پس مترجمان نتوانسته‌اند، واج‌های آن را به درستی تشخیص دهند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد مترجمان نه به مفهوم واج توجه داشته‌اند و نه به تحولات زبان.

در ارتباط با مطالب فوق، لازم به توضیح است که در بختیاری، برخلاف فارسی تهرانی و مثل بسیاری دیگر از گویش‌های ایرانی، تلفظ ق و غ، یعنی q و ɣ، که به ترتیب نشانگر آوای [q] و [ɣ] هستند، با یکدیگر متفاوت است. از منظر تاریخی نیز، این دو اغلب منشأ متفاوت دارند. بنابراین، این فرض که این دو واج‌گونه‌هایی از یک واج واحدند، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد (نک: صادقی، ۱۳۸۶). همچنین منتقد ادامه عبارت ما را نقل نکرده است: «البته این پرسش مطرح است که شاید در زمان ژوکوفسکی، واج‌های ق و غ وارد بختیاری نشده بوده؛ اما نمونه‌های

لریمر که در زمانی نزدیک به پژوهش ژوکوفسکی گردآوری شده است، خلاف این مطلب را نشان می‌دهد» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۵). از این عبارت چنین برداشت شده است که ما معتقدیم در زمان ژوکوفسکی واج‌های مذکور، در بختیاری وجود نداشته‌اند؛ حال آنکه، در مطالب کتاب که منتقد نقل کرده است، هم خلاف این برداشت را به‌روشنی می‌توان دید. درحقیقت چنان‌که به نظر می‌رسد، باید فرض کنیم که ژوکوفسکی ک و ق را واجگونه‌هایی از یک واج، و گ و غ را واجگونه‌هایی از واجی دیگر دانسته است؛ یعنی برخلاف آنچه از مطالب کتاب برداشت شده، از نظر ژوکوفسکی، ق و غ در بختیاری، واجگونه‌های یک واج نیستند.

منتقد درباره ترجمه‌ها، این عبارات را از کتاب نقل کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۶): «نزدیکی بسیار میان نحو و واژگان بختیاری و فارسی، این امر را ممکن و بلکه ضروری می‌سازد؛ چرا که ترتیب و همنشینی واژه‌های بیت، در انتقال بار عاطفی آن نقش بسزایی دارد»؛ و در نقد این مطالب نوشته است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۴-۱۴۵):

به گفته مترجمان این روش سبب «آرکائیک شدن ترجمه» شده است و یادآوری کرده‌اند که «ترجمه ما برای کسانی قابل استفاده است که با متون قدیم فارسی کمی آشنایی داشته باشند» ... اگر ملاک ترجمه اشعار بختیاری است، بهتر است به ترجمه ژوکوفسکی هم اشاره شود و شیوه ترجمه او یا احیاناً ترجمه نادرست او ذکر گردد ... هدف از ترجمه این اشعار، آفریدن متن ادبی یا هنری نیست ... گاه اصرار بر هم‌قافیه کردن دو مصرع از یک بیت، سبب نامفهوم شدن ترجمه شده است: «تفنگچی» «لاگلال» دلم [هست] به هولش || علی‌خان به شتاب رفت، [در حالی که] لاشه‌ها [ی] شکار، بود [به کولش] ... افزودن عبارات در داخل قلاب هم از روانی ترجمه کاسته است.

در توضیحات ابیات، با نشانه اختصاری «تژ» به ترجمه‌های مغلوپ ژوکوفسکی اشاره شده است. هدف ما از ترجمه اشعار، آفرینش ادبی نیست؛ چرا که همین آرکائیک شدن دقیقاً نتیجه پایبندی به الفاظ ابیات و پرهیز از ترجمه آزاد آن است و در نتیجه، برای روان شدن ترجمه، از گروه استفاده شده است. همچنین اگر از لغت فارسی کهنی بهره گرفته‌ایم، آن لغت را در توضیحات ابیات، معنی کرده‌ایم. این شیوه این حسن را دارد که امکان مقایسه جملات فارسی و بختیاری را به بهترین نحو ممکن فراهم می‌سازد؛ امکانی که در زبان روسی، یعنی ترجمه ژوکوفسکی، وجود ندارد. مثالی که منتقد نقل کرده، در توضیحات ابیات، معنی شده است: «دلیم هست به هولش: از او می‌ترسم» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

استفاده ما از واژه «پیا» در ترجمه، که منتقد در عبارت زیر به آن اشاره کرده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۵): «واژه «پیا» ... در بخش توضیحات شفقی و دادرس هم معنی آن نیامده است»، به دلیل کاربرد آن در برخی نوشته‌های معاصر، و نیز در واژه‌نامه‌های فارسی امروز است (برای نمونه، نک: انوری، ۱۳۸۳):

منتقد کاربرد «به فنجان» را در ترجمه ما، یعنی «ای حکیم، چقدر می‌دهی دارو به فنجان» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱۲۸)، مبهم دانسته و آن را با تردید «چقدر دارو در فنجان می‌ریزی؟!» معنی کرده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۵). در این ترجمه، «به فنجان» به جای «با فنجان» به کار رفته است.

در عبارت «خودم ملا، یارم خیاط، دو کسب شاهی» نیز، «شاهی» به معنی «شاهانه» است و در بخش توضیحات ابیات (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۲۰۲)، به این

نکته اشاره شده است. ضمن آنکه در نقد کتاب، به جای «ملا»، «ملاً» نوشته شده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

در عبارت ذیل، منتقد، بخش «متن بختیاری اشعار به خط فارسی» را در کتاب ما (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۲۱۴)، «نامناسب» دانسته است. در نقل قول درون گیومه، اشتباهاً فعل به کاررفته در متن ما «دانسته‌اند» و حرف اضافه «با»، «به» (در عبارت «به مسائل...») نوشته شده است (حسینی ماتک، ۱۳۹۵: ۱۴۶):

مترجمان از صفحه ۲۱۴ تا ۳۰۱ متن اشعار را با خط فارسی آورده‌اند. این بخش از افزوده‌های مترجمان است و در کتاب ژوکوفسکی نیامده است. مترجمان هدف از افزودن این بخش را «پاسخ به نیاز مخاطبان عامی بختیاری زبان و خوانندگان غیرمتخصص دانسته‌اند که عموماً به مسائل آوانگاری و زبان‌شناختی ناآشنایند و با املاهای فارسی انس بیشتری دارند». به نظر می‌رسد که افزودن چنین بخشی ... مناسب نباشد.

اصل عبارت ما این است: «پاسخ به نیاز مخاطبان عامی بختیاری زبان و خوانندگان غیرمتخصص بوده / است که عموماً با مسائل...» (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۲۱۴). این که چرا منتقد، این بخش را زائد می‌داند، ناشی از سلیقه شخصی ایشان است. صرف‌نظر از بازخوردهای مثبت و استقبال خوانندگان بختیاری‌زبانی که نگارنده مستقیماً با آنها ارتباط دارد و همگی وجود این بخش را بسیار لازم دانسته‌اند، علت اصلی در افزودن این بخش، علاوه بر دلایل مذکور در مقدمه، درخواست داوران این کتاب در دانشگاه علامه طباطبائی بوده است که کتباً و رسماً وجود آن را توصیه کرده‌اند. همچنین، مسأله نگارش به زبان/گویش بختیاری همیشه از مسائل مطرح در میان نویسندگان و محققان بختیاری‌زبان بوده است و نگارندگان نیز، به سهم خود، کوشیده‌اند در کتاب، روش پیشنهادی خود را برای

کتابت بختیاری به خط فارسی، ارائه کنند (برای آگاهی از مسائل املائی بختیاری، نک: Anonby, 2018).

منابع

- ارانسکی، یوسیف میخائیلوویچ. (۱۳۸۶). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه علی‌اشرف صادقی. تهران: سخن.
- اشمیت، رودیگر. (۱۳۸۷). *راهنمای زبان‌های ایرانی*. ج ۱. ترجمه آرمان بختیاری و دیگران. زیر نظر حسن رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس.
- انوری، حسن. (۱۳۸۳). *فرهنگ روز سخن*. به سرپرستی حسن انوری. تهران: سخن.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۸۰). *واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی*. تهران: نشر قطره.
- حسینی، بیژن. (۱۳۸۶). *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری*. اصفهان: شهسواری.
- حسینی ماتک، الهه. (۱۳۹۵). «نقدی بر *موادی برای مطالعه گویش بختیاری*». *علم زبان*. ۶/۴: ۱۳۱-۱۴۸.
- دادرس، سیدمهدی. (۱۳۸۸). *بررسی واژه‌شناختی گویش بختیاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. استاد راهنما: اورنگ ایزدی. استاد مشاور: مجتبی منشی‌زاده. دانشگاه علامه طباطبائی.
- ژوکوفسکی، والننتین آکسی‌یویچ. (۱۳۹۶). *موادی برای مطالعه گویش بختیاری*. ترجمه و اضافات: مریم شفق و سیدمهدی دادرس. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- شفقی، مریم و دادرس، سیدمهدی. (۱۳۹۰). *تصحیح، نقد و برگردان اشعار فولکلور بختیاری، گردآوری شده توسط والننتین الکسیویچ ژوکوفسکی*. دانشگاه علامه طباطبائی.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۷۸). «نقد و معرفی کتاب بررسی گویش بویراحمد و...». *مجله زبان‌شناسی*. ۱/۱۴، ۲: ۱۴۲-۱۴۴.

- صادقی، علی اشرف. (۱۳۸۱). «یادداشتی درباره ساختمان واجی گویش دوانی». *فرهنگ گویش دوانی*. عبدالنبی سلامی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۳-۲۰.
- صادقی، علی اشرف. (۱۳۸۶). *تأثیر زبان عربی بر آواهای زبان فارسی (تحول صامت «ق» عربی در زبان فارسی)*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و بنیاد ایران شناسی.
- طاهری، اسفندیار. (۱۳۸۹). *گویش بختیاری کوهرنگ*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدالهی موگوئی، احمد. (۱۳۷۲). *ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری*. اصفهان: مؤسسه فردا، مرکز پژوهش فرهنگ و هنر.
- قریب، معصومه. (۱۳۵۱). «واکه‌های ترکیبی یا دیفتونگ‌های زبان فارسی». *مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگره تحقیقات ایرانی*. ج ۱. مشهد: دانشگاه مشهد. ۳۷۶-۳۹۰.
- مددی، ظهرا. (۱۳۹۲). *واژه‌نامه زبان بختیاری*. اصفهان: ظهرا مددی.
- Anonby, E. & Asadi, A. (2018). *Bakhtiari Studies II: Orthography* (Acta Universitatis Upsaliensis). Uppsala: Studia Iranica Upsaliensia.
- Fromkin, V., R. Rodman, & N. Hyams. (2011). *An Introduction to Language* (International Student Edition). 9th edition. Canada: Wadsworth, Cengage Learning.
- Lazard, G. (1963). *La Langue des Plus Anciens Monuments de la Prose Persane*. Paris: Librairie C. Klincksieck.
- Lorimer, D. L. R. (1954). "The Popular Verse of the Bakhtiāri of S. W. Persia – I". *BSOAS*. 16 (3): 542-555.
- Lorimer, D. L. R. (1955). "The Popular Verse of the Bakhtiāri of S. W. Persia – II: Specimens of Bakhtiāri Verse". *BSOAS*. 17(1): 92-110.
- MacKinnon, C. (2011). "Lori Dialects". Online adress: <http://www.iranicaonline.org/articles/lori-dialects>.